
آینده چك کیفری در ایران

«باتوجه به ضرورتی که جهت تغییر قانون صدور چك ۱۳۴۴ احساس»
«میگردد و همچنین با التفات به تلاشی که وزارت دادگستری و قوه مقننه»
«برای اصلاح قانون مذکور بعمل می‌آورند، جا دارد تا آینده چك کیفری در»
«ایران پیش‌بینی شود. برای نیل بدین منظور: (هدفهای لایحه چك و نحوه»
«قالب‌ریزی آنها)، (انتقادات وارده به لایحه چك)، (نظرکلی درباره لایحه»
«چك) و بالاخره (چك کیفری در فرانسه) در چهار بخش بشرح آتی مورد»
«مطالعه واقع میشود.»

بخش اول هدفهای لایحه چك و نحوه قالب‌ریزی آنها

- نویسندگان لایحه، با اعلام هدفها و استفاده از شیوه‌های مشروحه ذیل، قصد اثبات پوسیدگی قانون صدور چك ۱۳۴۴ و تبدیل آن به لایحه مذکور را دارند.
- ۱- لایحه به منظور عدم حمایت از چكهای اعتباری و سلب ضمانت اجرای کیفری از آنها نه تنها توجهی به تاریخ: «مندرچ در متن چك» نکرده و آنرا به: «تاریخ صدور چك» تبدیل نموده، بلکه بالصراحه چكهای: «موجل» یا «مشروط» یا «سفید-امضاء» را غیر قابل تعقیب از نظر کیفری، دانسته است.
 - ۲- لایحه، برای مبارزه با «شرخرها» فقط حق شکایت کیفری برای دارنده اول یا قائم‌مقام قهری وی، قائل است، از اینرو چكهایثیرا که پس از مراجعت از بانک، به دیگری منتقل شوند غیر قابل تعقیب کیفری میدانند.
 - ۳- برای ترویج چكهای «کم‌مبلغ» لایحه به بانکها اختیار داده تا پرداخت وجه چكها را تا مبلغ معینی تضمین کنند.
 - ۴- لایحه، به منظور رعایت حال متهمان، تدابیر زیر را پیش‌بینی نموده است.
- الف - مرجع تحقیق، در صورت موافقت با استمهال متهم، میتواند تأمین سوای

اخذ وجه الضمان، بگیرد.

ب - مرجع مذکور باید در صورت تعدد صادرکنندگان میزان تأمین معادل وجه چك را بین آنها تقسیم نماید.

ج - هرچکی که بر اثر ارتکاب جرم صادر شده باشد، میتواند قانوناً غیرقابل پرداخت اعلام شود.

۵- برای اجراء واقعی انسداد حسابجاری صادرکنندگان چك بلامحل ضوابطی باقید ضمانت اجراء برای بانك متخلف، پیش بینی نموده است،

۶- به قابلیت مطالبه مبلغ چك در مراجع جزائی، جنبه قانونی داده است.

۷- به منظور تسریع بیشتر در رسیدگی:

الف - اخطار موسوم به «حسن نیت» را لغو نموده.

ب - صدور چك با علم به انسداد حساب را در حکم چك کیفری دانسته.

ج - وجود چك را درید صادرکننده، دلیل برانصاف از شکایت شاکی تلقی نموده است.

۸- چكهای کیفری عهده بانكهای ایرانی واقع در خارج کشور را مصرحاً قابل صدور اجرائیه دانسته و چكهای بی معل آنها (در صورتیکه اظهارنامه رسمی به صادرکنندگان آنها ابلاغ شده باشد) را قابل تعقیب کیفری میشناسد.

بخش دوم انتقادات وارده به لایحه چك مصوبه سنا در تاریخ دوشنبه ۱۹ آبانماه ۵۴

ماده اول:

الف - **عدم جامعیت:** چون وسائل تأییدیه منحصر به امضاء نمی باشند لذا کلمات: «مطابقت امضاء چك با امضاء صادرکننده» در ذیل ماده، جامع نیستند. پس بایستی از کلمات عامتری مثل: «کامل و مطابق بودن وسائل تأییدیه منعکسه در چك با آنهائی که بوسیله ذی حساب جهت قابل پرداخت بودن چك، قبلاً ببانك معرفی شده اند»، استفاده گردد تا عنداللزوم شامل چكهای که با وجود مطابقت داشتن امضاء مع الوصف به علت فقدان مهر یا عدم انطباق آن، غیرقابل پرداختند، نیز بشود.

ب - **عدم مانعیت:** چون چكهای که از لحاظ وسائل تأییدیه کامل و مطابق نمی باشند غیرقابل تعقیب در دایره اجراء شناخته شده اند لذا کلمات: «به علت نبودن محل یا بهر علت دیگری که منتهی به برگشت چك و عدم پرداخت گردد»، منعکسه در ذیل ماده، مانع نبوده و برای اینکه ماده با خودش منطقی شود لازمست تا کلمات عام: «یا بهر علت دیگری» را به: «مگر چكهای که وسائل تأییدیه آنها مطابق نمی باشند» محدود گردند.

ج - **عدم صراحت:** چون قانون برای مردم عادی نوشته میشود و عامه معمولاً مسلط بر مجموعه قوانین نبوده و ممکنست ظاهر مادتين ۱۱ و ۱۳ این لایحه آنها را

به اشتباه انداخته و تصورکنند که چکهای غیرقابل تعقیب از نظر کیفی نمی‌توانند مورد صدور اجرائیه نیز واقع شوند، لذا رفع ابهام مذکور، ضمن تأکید بر امکان وصول چکهای موصوف از طریق دایره اجراء ثبت، ضروری بنظر میرسد.

د - تشریفات مضر: باتوجه به اینکه برای جلوگیری از اشکالات ناشی از مفقود شدن اسناد، حتی در دادخواستهای رسمی، لزومی به ضمیمه نمودن عین اسناد نبوده و رونوشت مصدق آنها کافیهست پس چرا برای صدور اجرائیه بایستی عین چك را ضمیمه درخواست نمایند؟ چه ممکنست سند مذکور به دست صادرکننده برسد و با عنایت به ماده ۱۷ همین لایحه: «وجود چك در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف از شکایت است».

ماده دوم:

این ماده که برگردان بدون دخل و تصرف صدر ماده ۳ قانون صدور چك است حاضر نشده ابهامات و اختلافات موجود در دکترین را حل کند. یکی از آنها مسئله باعدم قابلیت تعقیب چکهای فاقد امضاء میباشد. چه آقای دکتر پاد معتقدند که حتی چکهای فاقد امضاء، جنبه کیفی دارند ولی نظر مخالف براساس حقوق فرانسه، مرتکب را مجرم نمیداند. همچنین تمثیلی بودن موارد احصائی و عدم اخراج صریح مصادیق واقعی کلاهبرداری که بوسیله چك صورت میگیرند از قبیل اصدار عمدی چك به تاریخ بیش از ۶ ماه قبل از زمان تحریر یا باجوهر محو شونده یا بر روی اوراق دسته چك غیر یا اخراج وجه چك به مباشرت شخص ثالث باعث خواهد شد تا ماهیت حقیقی جرائم اخیر در دکترین و رویه قضائی لوث شود. مضافاً آنکه ماده ۱۰ همین لایحه نیز اصدار چك با علم به انسداد حساب را که مصداق بارز کلاهبرداری است در حکم صدور چك بی محل تشخیص داده است.

از طرف دیگر چون صادرکننده، باتوجه به عرف بانکی، ممنوع از دارا بودن حسابهای دیگری از قبیل: حساب پس انداز، حساب در گردش و غیره در بانک محال علیه حسابجاری خود نمی‌باشد، لذا ممکنست باوجود آنکه حسابجاری وی جوابگوی وجه چك نبوده مع الوصف موجودی وی، در همان شعبه بانک، بیش از مبلغ چك باشد، از اینرو کلمات: «... معادل مبلغ چك در بانک محال علیه، محل داشته باشد.» باعث خواهد شد تا با تفسیر مضیق متهم مقادیری از چکهای بی محل، غیرقابل تعقیب شناخته شوند لذا به علت عدم مانعیت کلمات مورد استعمال لایحه، تبدیل آنها به: «حسابجاری مربوط»، لازم به نظر میرسد.

ماده سوم:

چون مسئله عدم احراز اقامتگاه واقعی صادرکننده چك، یکی از دردسرهایی حل نشدنی مقامات قضائی است لذا، برای جلوگیری از نیرنگ مشتری به عدم اعلام آدرس واقعی خود پیشنهاد میگردد تا بانکها الزام گردند:

اولا - در موقع افتتاح حساب جاری، قطعاتی از عکس مشتری از رویرو و نیمرخ را اخذ نمایند.

ثانیاً - دسته چک و اعلامیه های مربوط به میزان موجودی و تصویب اعتبار و غیره را به آدرس مشتری ارسال دارند نه اینکه اوراق یا اطلاعیه های موصوف را در بانک، به مشارالیه تسلیم نمایند.

فقط در اینحالت است که تکلیف بانک به ارسال اعلامیه علل عدم پرداخت چک به صادرکننده به آدرس مشارالیه، تشریفات قلمداد نشده، و مفید واقع خواهد شد.

ماده چهارم:

الف - همانطور که قبلاً گفته شد کلمات: «دارا بودن موجودی در بانک» به علت عدم مانعیت بایستی به: «داشتن موجودی در حساب جاری مربوط» تبدیل شوند. بد چگونگی میتوان موجودی حساب جاری را که به دارنده چکی که مثلاً مخدوش بوده یا دستور عدم پرداخت آن صادر شده باشد، تسلیم نمود؟ متأسفانه، مسامحه در بیان ماده مذکور، بانک را مکلف به تسلیم موجودی حتی در شرائط موصوف مینماید. عدم مانعیت ماده را میتوان با اخراج حالات موصوف رفع نمود مثلاً ماده را بدین نحو تصحیح نمود که: «در صورتی که علت عدم پرداخت صرفاً کسر موجودی در حساب جاری مربوط باشد، به تقاضای دارنده...»

ماده پنجم:

اگر منظور از الزام بانک به درج نام صاحب حساب در روی هر برگ چک جلوگیری از تقلبات کسانی باشد که از دسته چک دیگران سوءاستفاده مینمایند پس درحالیکه ذیحساب شخص حقوقی است، اقدامات احتیاطی مذکور کافی نیستند از اینرو درحالت اخیر بایستی مضافاً به اسم شخص حقوقی (ذیحساب) نام صاحبان امضاء و مهر آن نیز درج گردد.

ماده ششم:

مقنن فرانسوی به منظور ایجاد اطمینان نسبت به چکهای کم مبلغ و ترویج آنها، دو اقدام نموده است: اولاً بانکها را ملزم به پرداخت چکهای کمتر از هزار فرانک نموده ولی به آنها حق داده است تا به قائم مقامی دارنده، اقدامات تعقیبی اعم از مدنی و جزائی علیه صادرکننده را انجام دهند. ثانیاً چکهای پرداخت نشدنی مذکور را خلاقی نموده است.

ولی لایحه برای رسیدن به کعبه فوق، راه ترکستان را برگزیده است چه اولاً الزام مذکور را به تغییر تبدیل کرده ثانیاً مورد را منحصر به چکهای بی محل کرده نه سایر انواع چکهای پرداخت نشدنی ثانیاً میزان مبلغ تضمین شده چکها و شرائط آن را موکول به آئین نامه ای نموده است که به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب شورای پول

و اعتبار خواهد رسید!!

حتی اگر آئین نامه ادعائی بتواند بانکی که قصد تضمین را دارد مکلف نماید تا در روی هرورقه چک (مضافاً به موارد مندرج در ماده ۵) مبلغ تضمین شده را تأیید کند باز اشکالات زیر ظاهر خواهند شد و اطمینان مورد نظر برای دارنده ایجاد نخواهد گشت چه: اولاً - ممکنست تأییدیه بانکها الحاق و جعل شده باشند.

ثانیاً - امکان دارد مضافاً به بلامحل بودن، چک به علل دیگری نیز غیر قابل پرداخت باشد. ثالثاً - حتی راه فرار برای بانکها جهت عدم پرداخت چنین چکها نیز مفتوح است چه ممکنست بانک بدون ذکر بلامحل بودن چک ادعاء تغایر امضاء (که کاملاً نظری است) را بنماید.

پس اشکالات فوق باعث عدم ترویج چنین چکها شده و نتیجتاً نقض غرض خواهد شد. بنظر میرسد رویه مقنن فرانسوی ارجح باشد.

ماده هفتم:

حق این میبود تا مجلس سنا اشکالات موجود در ماده ۴ قانون صدور چک را برطرف مینمود نه اینکه آنرا تأیید نماید. انتقادات مذکور از اینقرارند: اولاً - استعمال کلمه فنی: «تخلف» برای امر جنبه نارواست.

ثانیاً - چون ملاک برای تعیین جزای نقدی براساس فقدان محل یا کسر آن گذاشته شده است از اینرو قهراً تبعیضی بین مجرمین به صدور چک بی محل و سایر مجرمین چک پرداخت نشدنی حاصل میشود که این برخلاف اصل تساوی مجازات است. بدینمعنی که مثلاً اگر X متهم بصدور چک بی محل ده هزار تومانی و Y متهم به صدور چک مخدوش به همان مبلغ باشند مجازات X هم حبس و هم جزای نقدی ۲۵۰۰ تومان بوده و حال آنکه مجازات Y فقط حبس خواهد بود.

(در مواد ۸ و ۱۲ و ۲۱ این لایحه تبعیض مذکور تکرار شده است.)

ثالثاً - از لحاظ قانون نویسی، بهتر است تا استثنائات این ماده (که در ماده ۱۳ میباشند) به صورت متصل با آن باشد نه منفصل از آن.

ماده هشتم:

اصولاً باوجود بند ب ماده ۳ قانون کیفر عمومی که نحوه صلاحیت ایران را در جرائم مرکب تعیین نموده است ماده ۸ لایحه به علت ابهامات عدیده آن زائد و حتی مضربه نظر میرسد چه:

اولاً مکان منطقی این ماده (در صورتی که بخواهد حفظ شود) قبل از ماده ۷ (که ضمانت اجراءها را تعیین مینماید)، میباشد.

ثانیاً - منظور از کلمه «ابلاغ» مشخص نشده که منحصرأ بایستی «واقعی» باشد و یا به «قانونی» نیز قابل تعمیم است؟

ثالثاً - مقصود از کلمات: «بانکهای واقع در خارج کشور» واضح نیست که

فقط مربوط به تابعیت ایران است یا شامل بانکهای خارجی میشود؟
رابعاً - اگر برای ابلاغ اظهارنامه رسمی به متهمی که به خارج رفته، بیش از ۶ ماه وقت لازم باشد جنبه کیفری اتهام مذکور چه صورتی پیدا خواهد کرد و اصولاً نحوه ابلاغ آن به چه صورتی خواهد بود؟
خامساً - اگر این ماده به عنوان مخصص بندب ماده ۳ ق کیفر عمومی تلقی شود مفهوم مخالف آن این خواهد بود که کشور ایران در موقعی که فقط محل پرداخت چك در ایران باشد، صلاحیتی نخواهد داشت.
سادساً - عدم تعریف این جرم و محل و زمان وقوع آن در حقوق جزای داخلی و برعکس تعیین صلاحیت ایران در حالتی که محل صدور چك ایران باشد، غیرمنطقی است.
سابعاً - تبعیض بین مجرمین به صدور چك بلامحل و سایر انواع مجرمین چك کیفری پذیرفتنی نیست.

ماده نهم:

مسامحه ماده در بیان این نکته است که بانک را مکلف میکند تا معادل مبلغ چك را به مجرد مراجعه دارنده آن، پس از انسداد حساب، بوی بپردازد. و حال آنکه ممکنست هنوز خدشه چك رفع نشده یادستور عدم پرداخت آن ملغی الاثر نشده باشد. پس لازم است تصریح شود که «به محض مراجعه دارنده در صورتیکه علل عدم پرداخت نیز رفع شده باشند...»

ماده دهم:

در موقع ملاحظه ماده دوم نسبت به این ماده «که تأیید رأی وحدت رویه ردیف ۳۱/۵۳ شماره ۳۴ مورخ ۵۳/۳/۲۹ هیئت عمومی دیوانعالی کشوری است» انتقاد گردید و اضافه میشود که دکتترین اجماعاً مورد مذکور را از مصادیق بارز کلاهبرداری میدانند و دلیلی ندارد که در این قضیه به خصوص، منطبق حقوقی فدای سرعت در رسیدگی گردد.

ماده یازدهم:

الف - در ماده ۱۴ لایحه سخن از اتهام دارنده به جعل، سرقت، خیانت در امانت رفته که غیر قابل گذشت میباشد باوصف مذکور عبارت: «جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده، قاتل تعقیب نیست» دواشکال اساسی دربر خواهد داشت:
اول - باوجود صراحت ماده ۱ آیا بازهم جرائم موصوف غیر قابل گذشت باقی خواهند ماند؟

دوم - بفرض آنکه لایحه چك، بخواهد اختصاصاً جرائم مذکور را در صورتیکه مرتبط با چك باشند، قابل گذشت تلقی کند، اشکال در اینست که بنا بفرض دارنده

خود متهم به این جرائم است چگونه متهم علیه خودش شکایت میکند؟ پس مفهوم آن غیر قابل تعقیب بودن جرائم موصوف خواهد شد.

ب - چون برای احراز قطعیت انتقال قهری (صدور حکم ورشکستگی و تصفیه دیون یا گواهی حصر وراثت) ممکنست مدتی بیش از ششماه طول بکشد تا آنکه ذینفع صالح برای ارائه چک بیانک یا شکایت کیفری گردد که در این هنگام مسئله مشمول مرور زمان ماده ۱۱ خواهد شد لذا پیشنهاد میگردد یا به ذینفع حق ارائه چک بیانک یا شکایت کیفری قبل از صدور احکام و گواهی مزبور داده شود یا آنکه مرور زمانهای این ماده در فاصله اوقات لازم برای تحصیل مدارک مورد بحث، معلق گردند.

ج - فرض کنیم صادرکننده بجای تاریخ تحریر چک که ۵۴۸۱۹/۱۹/۵۴ است تاریخ ۵۳۸۱۹/۱۹/۵۳ را درج نماید، آیا بازهم غیر قابل تعقیب است؟

بمنظور می‌رسد در صورتیکه مورد منطبق با کلاهبرداری باشد تابع جرم اخیر بوده و در حالیکه مرتکب فاقد سوءنیت کافی باشد، تاریخ مندرج در چک همان تاریخ صدور تلقی شده و مرور زمان ششماه برای ارائه چک بیانک از همان تاریخ احتساب خواهد شد. که در حالت اخیر پیشنهاد میگردد مرجع صالح برای احراز تطابق تواریخ مذکور دادسرا تشخیص شود.

د - هر چند مبارزه با: «شرخر» کاملاً ضروریست ولی انجام آن (بفرض موفقیت در این امر) نبایستی به قیمت نقض غرض تمام شود. چه هدف اصلی از جرم قلمداد نمودن چک کیفری: «ایجاد اطمینان در دارندگان چک (حتی دارندگان دست دوم به بعد) و ترویج آن به اندازه ایست که جریان اسکناس در مبادلات تا حداقل ممکنه تقلیل یافته و لذا بتوان از قدرت پول در جریانهای اقتصادی دیگر، استفاده نمود، پس بایستی چک را قائم مقام اسکناس نمود تا بتواند مثل آن دست به دست گردد. از اینرو سلب ضمانت اجراء کیفری از دارندگان دست دوم به بعد، در واقع خود نوعی جلوگیری از رواج چک است که درست عکس نیت مقنن خواهد بود.

لایحه حتی در مبارزه با: «شرخر» نیز موفق نمی‌باشد چه: اولاً در ماده ۱۴ فرقی بین حیثیت معنوی او و دیگران نگذاشته و ۲ وجه چک را برای مجنی علیه افتراء علی-السویه، تجویز میکند.

ثانیاً - همانطوریکه در نظر کلی خواهیم دید فقط «شرخرها» «مرافعه‌چی‌ها» هستند که منتفعین واقعی از چکهای کیفری موضوع لایحه خواهند بود نه مردم عادی.

ماده دوازدهم:

الف - قبل از قطعیت حکم. خسارات مورد مطالبه شاکی خصوصی بردو نوعند: یکی مبلغ چک و خسارات تأخیر تأدیه دوم ضرر و زیان ناشی از غیرقابل پرداخت بودن چک از قبیل حق الوکاله و هزینه درخواست و غیره.

بنابفرض خسارات نوع اول به شاکی، جبران شده و نتیجتاً قرار موقوفی تعقیب صادرگشته است (ماده ۸ آئین دادرسی کیفری). پس مراجع جزائی صلاحیتی

برای ادامه رسیدگی به اصل جرم و مخصوصاً ضرر و زیان ناشی از آنرا نخواهند داشت (ماده ۱۳ آئین دادرسی کیفری). پس برای احتراز از این مقررات که برخلاف ضوابط کلی آئین دادرسی کیفری بوده و موجب اشکالات منطقی و علمی خواهد شد، بهتر است صلاحیت رسیدگی به ضرر و زیان مذکور به دادگاه حقوق اعطاء گردد.

ب - پس از قطعیت حکم اولاً - مجازات بایستی براساس اصل تفکیک قوا، با مداخله قوه قضائیه مورد حکم واقع شود نه اینکه قوه مقننه به قوه مجریه مستقیماً دستور اعمال مجازات را بدهد. پس اخذ خمس جزای نقدی از متهمیکه قرار موقوفی تعقیب درباره آن صادر شده وجهه اصولی ندارد.

ثانیاً - اخذ خمس جزای نقدی تبعیضی است که بین متهمین چک پرداخت نشدنی گذارده میشود. چه مثلاً صادرکننده چک مخدوش یا کسیکه دستور عدم پرداخت میدهد چون مجازات آنها فاقد جزای نقدی است لذا قهراً، در حالت موقوفی تعقیب اخیر نیز معاف از پرداخت مبلغ مذکور خواهند بود ولی صادرکننده چک بلامحل یا کسر محلدار ملزم به پرداخت آن نمیباشد.

ثالثاً - ماهیت «الزام به پرداخت مبلغ مورد بحث معلوم نشده که جزائی است یا حقوقی؟ چه در حالت عجز مرتکب بپرداخت مبلغ مذکور در حالت اول از قرار هر پانصد ریال یک روز میتوان او را بازداشت نمود.

ولی در حالت دوم چنین اقدامی قابل قبول نمیباشد. پس نفع متهم ایجاب میکند که ماهیت الزام مذکور حقوقی تلقی شود مضافاً آنکه ماده ۵۲ قانون کیفر عمومی فقط «احکام» (که منصرف به رأی دادگاه میباشد) را قابل مرور زمان میدانند و چون تصمیم دادستان حکم به مفهوم فنی کلمه، نیست لذا از شمول مرور زمان ماده اخیر خارج بوده و نتیجتاً آنکه ماهیت الزام به پرداخت مبلغ موصوف نمی‌تواند «جزای نقدی» شناخته گردد.

تبصره: چون در قانون تسریع آئین دادرسی کیفری و قانون کیفر عمومی فقدان سابقه مؤثر محکومیت مرتکب در جرائم قابل گذشت، شرط شده است، آیا سکوت این لایحه خاص مؤخر بر قانون تسریع... دلیل برعدم شرطیت مذکور در این جرم خاص چک کیفری تلقی نمیشود؟

ماده سیزدهم:

الف - ماده از چکهای: «سفید مهر» یا «فاقد تاریخ مقدم بر زمان تحریر»، سخنی نگفته و تکلیف آنها را معین نکرده است.

ب - بندهای مندرج در این ماده چون استثنائات مربوط به ماده ۷ میباشد، بهتر است تا متصل به آن باشند.

ج - سلب ضمانت اجراء کیفری از چکهای مشروط موجب عدم اعتماد مردم از هرگونه چک خواهد شد چه صدور چک معمولاً در قبال تحویل شئی یا انجام تعهدی

است و مردم عادی از ترس آنکه مبادا صادرکننده ادعا کند که: «چک پرداخت نشده، تلویحاً مشروط به تحویل شئی مرغوب یا انجام تعهد به نحو مطلوب بوده و چون مشروط حاصل نشده لذا وی از نظر کیفری و مدنی فاقد مسئولیت میباشد و نتیجتاً دارنده که شکایت کیفری نموده مفتری تلقی خواهد شد» حاضر به قبول چک به عنوان قائم مقام اسکناس نخواهند شد.

د - عدم ترتیب اثر به گواهی گواهان برخلاف اصل مسلم: «اطمینان قاضی» است که در آئین دادرسی کیفری مدرن پذیرفته شده است.

ماده چهاردهم:

الف - همانگونه که گیرنده اسکناس در قابلیت مبادله آن تردید نمی‌کند، دارنده چک نیز بایستی به قابلیت وصول آن شک ننماید در حقوق فرانسه استثنائاً در سه مورد: «ورشکستگی دارنده» یا «سرقت چک» یا «گم شدن چک» چون در صورت وصول وجه چک استرداد آن مشکل است انحصاراً و با تفاسیر بسیار مضیق، اجازه دستور عدم پرداخت به ذینفع می‌دهد. ولی ماده مورد بحث آنقدر استثنائات مذکور را تجویز نموده که دیگر چیزی از اصل باقی نگذاشته است. به عبارت دیگر، ایجاد چوبهای عدیده لای چرخ‌گردش چک باعث دور شدن از هدف خواهد شد.

ب - لایحه برخلاف یکی دیگر از اصول مسلم آئین دادرسی کیفری (قاعدہ رعایت تعدد جرم) اقدام نموده چه صادره کننده‌ایکه دستور عدم پرداخت چک داده و همچنین افتراء جعل یا سرقت و غیره به دارنده زده، مشمول قاعدہ تعدد جرم میباشد ولی ماده فقط جرم واحد موضوع ماده ۷ را درباره صادرکننده تعیین مینماید که مبنای منطقی ارفاق مذکور معلوم نمی‌باشد.

ج - یکی دیگر از اصول مسلم آئین دادرسی کیفری تعیین میزان خسارت معنوی برحسب شئون متضرر از جرم است. مثلاً ممکنست عدم پرداخت چک توأم با ایراد افتراء سرقت درباره یک دانشجوی حقوق، او را در جامعه ملوک نموده و صدمه غیر قابل جبرانی به وی بزند. ولی مسلم است که اگر به جای شخص مذکور، یک نفر «شرخر» قرار میگرفت کمتر متحمل خسارت معنوی میشد ولی ماده میزان خسارت معنوی را به نحو ثابت درباره کلیه مجنی علیهم به میزان ربع وجه یک چک تعیین نموده که برخلاف ضوابط منطقی است. به بیان دیگر منطق حقوقی فدای سرعت در رسیدگی گردیده است.

ماده هفدهم:

بازهم فرض قانونی دیگری بر اصل: «اطمینان قاضی» حکومت کرده و صادرکننده را تشویق میکند تا از طریق نامشروع تلاش در بدست آوردن لاشه چک بنماید.

ماده هجدهم:

الف - چون چك كیفیری تماس مستقیم با اقتصاد جامعه داشته و جنبه عمومی آن بر ضرر و زیان شاکی ترجیح دارد لذا بایستی صرفنظر از شکایت شاکی قابل تعقیب و غیر قابل گذشت باشد از اینرو تکیه بر مبلغ چك جهت تعیین اخذ تأمین کاملاً نارسا خواهد بود.

ب - قابلیت مطالبه وجه چك در دادگاه جنبه ایجاب میکند تا از متهم تأمینی اخذ گردد که هم جوابگوی ضرر و زیان شاکی و طلب قبل از وقوع جرم یعنی مبلغ چك و هم پاسخگوی حبس و جزای نقدی و اقدامات تأمینی باشد از اینرو میزان تأمین بایستی لااقل دو برابر وجه چك باشد نه معادل آن (بر اساس روح ماده ۱۳۰ آئین دادرسی کیفری و تبصره آن).

ج - چون میزان مجازات شرکاء در جرم معادل مجازات مباشر مستقل خواهد بود (ماده ۲۷ قانون کیفر عمومی)، از طرف دیگر اخذ تأمین از متهم برای، هم پرداخت مبلغ چك و ضرر و زیان شاکی و هم اجرای حکم به مجازات است لذا فرمول تسهیم مبلغ چك بین شرکاء در جرم بدون آنکه اجراء حکم را تضمین کند فقط قسمتی از ضرر و زیان شاکی را شامل خواهد شد از اینرو غیر معقول خواهد بود.

د - اگر لغو اخطار حسن نیت قانون فعلی جزئی از تسریع در رسیدگی موضوع ماده ۱۶ بوده است پس امکان استمهال متهم برخلاف هدف است.

ماده بیست و یکم:

الف - چون ماده صلاحیت تصدی حسابداری دیگری به نمایندگی از سایر اشخاص اعم از طبیعی و حقوقی را از متهم و محکوم سلب نمی نماید از اینرو مشارالیه میتواند تغییر چهره داده و به نمایندگی از سایر اشخاص مبادرت به افتتاح حساب جاری و صدور چك نماید.

ب - ماده فقط برای متهمین صدور چك بلامحل، انسداده حساب جاری را پیش بینی نموده و صحبتی از سایر مجرمین چك کیفری ننموده است. لذا تبعیض بین مجرم چك بلامحل از یکطرف و مجرمین چك مخدوش صادرکنندگانیکه دستور عدم پرداخت را داده اند، منطقی نمی باشد.

بخش سوم - نظر کلی درباره لایحه چك

نواقص کلی زیر در لایحه مشهودند:

اول - نقض اغراض

الف - جلوگیری از گردش چك به عنوان قائم مقام اسکناس - لایحه، در موارد عدیده، ضمانت اجراء کیفری را از صادرکنندگان برداشته و به این وسیله خود در سلب اعتماد از چك وعدم گردش آن اقدام نموده است.

ب - ترویج چکهای اعتباری - چون اختیار تعقیب صادرکننده، صرفاً بدست دارنده (ولو عالم به غیر قابل پرداخت بودن چک باشد) سپرده شده از اینرو اشخاص: «مرافعه‌چی» بدون هیچگونه واهمه‌ای سعی خواهند نمود از میان کلیه اسناد مربوط به اشتغال ذمه و ایجاد وثیقه فقط چکهای اعتباری از مدیون گرفته و سپس دادسرا را آلت وصول طلب ادعائی خویش، قرار دهند.

ج - اطلاع در رسیدگی - لایحه با ایجاد موانع جدید (مثل امکان موافقت با استمهال یکماهه متهم)، عملاً امکان ایراد و دفاعهای تصنعی را باقی گذارده و باعث بطء در رسیدگی چک کیفری خواهد شد.

دوم - فقدان تعریف و تشریح عناصر متشکله و اخراج مصادیق قابل اشتباه باین جرم.

سوم - انحراف از ضوابط پیشرفته آئین دادرسی کیفری
لایحه اصول «اطمینان قاضی»، «آزاد بودن دست قاضی تحقیق برای اخذ تأمین و دست‌دادگاه برای تعیین ضرر و زیان معنوی» را زیر پا گذارده و بدوران: «فروض قانونی ادله اثبات دعوی»، رجعت نموده است.

چهارم - عدم کفایت ضمانت اجرای کیفری
ترجیح جنبه خصوصی چک بر جنبه عمومی آن و قلت میزان تأمین از متهم و مجازات و اقدامات تأمینی باعث ازدیاد غیر منطقی این جرم خواهد شد.

پنجم - تبعیض بین مجرمین چک پرداخت نشدنی
لذا بنظر میرسد رفع کلیه انتقادات و ابهامات جز با پیروی طابق النعل بالنعل از تجربیات مقنن فرانسوی (سوای حبس خلافی کمتر از ۶۱ روز) امکان‌پذیر نباشد.

بخش چهارم - چک کیفری در فرانسه

باتوجه به رابطه نزدیک بین حقوقهای جزائی فرانسه و ایران، احتمالاً، آینده چک کیفری در ایران منطبق با حقوق موضوعه فرانسه خواهد شد. از اینرو مطالعه حقوق جزائی فرانسه در این زمینه سودمند خواهد بود.
ویژگیهای حقوق مزبور، با عنایت به قانون سوم ژانویه ۱۹۷۵، اجمالاً به شرح آتی میباشند:

اولا - هدف مقنن از جرم قلمداد کردن چک کیفری ایجاد رواج چک به عنوان وسیله پرداخت فوری است. ضمناً قانونگذار بمنظور تقلیل چکبائی که وسیله ایجاد اعتبار میشوند مضافاً برای صادرکننده، برای دارنده یا نماینده آن یا ظهرنویس (در صورتیکه عالم به عدم قابلیت پرداخت فوری آن باشند)، نیز مجازات قائل شده است

(استثناً صرف دریافت مادی چك برای تحویل آن به دارنده قابل مجازات نیست مگر آنکه معاونت در وصول تلقی شود).

به عبارت دیگر، چك بایستی در زمان صدور (مثل اسکناس) فوراً قابل پرداخت باشد.

پس صرف تسلیم ارادی چکی که لااقل حاوی امضاء صادرکننده بوده و عرفاً چك نامیده شود، در صورتیکه بهرعلتی که ناشی از صادرکننده باشد، پرداخت نشود جرم میباشد. علل مذکور از قبیل: بلامحل یا کسر محل بودن چك، فقدان تاریخ یا دارای تاریخ مقدم یا مؤخر بر زمان تسلیم ارادی بودن چك، دستور عدم پرداخت یا اخراج وجه چك بیبانه نامشروع بودن جهت یا عدم انجام تعهد بوسیله دارنده چك، خواهند بود (استثناً سرقت چك یا مفقودشدن آن یا ورشکستگی دارنده، میتواند موجب دستور عدم پرداخت شوند).

ثانیاً - محل وقوع جرم، مضافاً به محل تسلیم ارادی چك یا محل غیر قابل پرداخت نمودن آن میتوان قائل به صلاحیت محل های دیگری به شرح زیر گردید:
۱- در چکهای خلاقی، اقامتگاه متهم ۲- در چکهای جنبه ای (براساس قانون سوم ژانویه ۱۹۷۵) محل پرداخت.

در حقوق جزای بین المللی جرم چك کیفری، جرم مرکب تلقی شده و هم کشور محل صادرکننده و هم کشور محل پرداخت، صالح برسیدگی خواهند بود.
ثالثاً - جز در چکهای جنائی (مجمول) شروع به جرم قابل مجازات وجود ندارد. تبصره (انتقال امضاء صاحب حساب در روی ورقه چك بدون تحریر آن، جرم خاصی عنوان شده است).

رابعاً - تکالیف و مسئولیت کیفری محال، علیه محال علیه مکلف بپرداخت چکهای کمتر از هزار فرانک (ولو فاقد محل یا دارای کسر محل) بوده و حق ندارد موجودی را کمتر از محل واقعی آن اعلام نموده همچنین ملزم است تا به کسانیکه چکها را به نحو غیر متعارف صادر مینمایند و به آنها تیکه از صدور چك ممنوع شده اند اخطار نموده و علل عدم پرداخت را تصریح نماید. ضمانت اجراء عدم انجام اقدامات مذکور جزای نقدی از دوهزار تا شصت هزار فرانک خواهد بود.

خامساً - آثار ندامت موخر برای صادرکننده چك پرداخت نشدنی پرداخت چك ظرف ده روز پس از ارائه آن بیانک، فقط مستوجب جزای نقدی نسبی معادل عسروجه چك یا مقداری از آن که مورد شکایت واقع شده (که بهر حال کمتر از بیست فرانک نخواهد بود) میباشد و مراتب در سجل کیفری مرتکب انعکاس نخواهد یافت (اثرهای ندامت موخر مذکور، در قانون ۱۹۷۵ مسکوت گذارده شده اند).

سادساً - مجازات و اقدامات تأمینی چون چك کیفری با توجه به مبلغ آن هم خلاقی است و هم جنبه ای، لذا دو قسمت مذکور، تفکیکاً مورد مطالعه واقع میشوند:
الف - مجازات و اقدامات تأمینی در حالت خلاقی بودن جرم.

در صورت صدور چکهای پرداخت نشدنی کمتر از هزار فرانک (مگر در حالت

تکرار جرم) و معاونت در آن (بوسیله دارنده یا ظمیر نویس یا نماینده دارنده) مرتکب ملزم پرداخت جزای نقدی از ۶۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ فرانک و حبس از ده روز تا دو ماه یا یکی از این مجازات و ممنوعیت از استرداد وجوه در حسابجاری مربوط خواهد بود. تبصره: صدور چک با علم به ممنوعیت‌های مذکور کلاهبرداری تلقی میشود. مضافاً دادگاه میتواند مجازات تکمیلی ممنوعیت از صدور چک از ۶ ماه تا ۵ سال را درباره مرتکب مقرر دارد.

ب - مجازات و اقدامات تأمینی در حالت جنحه‌ای بودن جرم. در صورت صدور چک پرداخت نشدنی معادل یا بیشتر از هزار فرانک و یاد در حالت تکرار جرم نسبت به چک‌هایی که کمتر از مبلغ مذکور میباشد مستوجب مجازات حبس از یکسال تا ۵ سال و جزای نقدی از ۳۶۰۰ فرانک تا ۳۶۰۰۰ فرانک خواهد بود و جزای نقدی با یکدیگر جمع میشوند. همچنین مجازات تکمیلی محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی و منع اصدار چک برای مدت ده سال را در پی خواهد داشت. تبصره ۱- این جرم از لحاظ رعایت مقررات تکرار جرم، در ردیف سرقت و کلاهبرداری میباشد.

تبصره ۲- مجازات جرم مورد بحث غیر قابل تعلیق است.
تبصره ۳- معافیت مربوط به کلاهبرداری از اقربا قابل تعمیم به این جرم نمیباشد.
تبصره ۴- سوابق تکرار جرم بایستی از بایگانی مرکزی بانک فرانسه استفسار کرد.

سابقاً - جرم چک کیفری غیر قابل گذشت است.
ثامناً - ضرر و زیان شاکی و عین مبلغ چک در دادگاه جنحه قابل وصول است مشروط بر آنکه دارنده دارای سوءنیت نبوده (تجاوز از حق) و جهت معامله مشروع بوده باشد ضرر و زیان حتی در صورت ورشکستگی صادرکننده قابل مطالبه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی